

تاریخچه‌ی تغییرات و تحولات درفش و علامت دولت ایران

از آغاز سده سیزدهم هجری تا امروز

(۲)

یحیی ذکاء

تغییرات درفش از ۱۳۶۴ - ۱۳۵۰ ه. ق .

پس از درگذشت فتحعلی شاه ، نواده ولیعهد او محمد میرزا فرزند عباس میرزا . سال ۱۲۵۰ ه. ق. ابتدا در تبریز و سپس در تهران جلوس و تاجگذاری کرده بسلطنت ایران رسید. در آغاز سلطنت ، صدراعظم او میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی بود ، پس از آنکه قائم مقام در صفر ۱۲۵۱ ه. ق . مفضوب و مقتول گردید ، حاجی میرزا آقاسی ابروانی که معلم و مرشد شاه بود بمقام صدراعظمی ایران رسیده شخص اول ایران^{۱۷} نامیده شد .

تا زمان صدارت حاجی ، وضع نشانها و درفشها و سکه‌های ایران ، بهمان قرار سابق بود ولی چون موجباتی فراهم آمد که در موارد اعطای نشان باشخاص و در انواع و درجات آن که تا به آن هنگام از روی هیچ قاعده و قانونی نبود - تجدیدنظری بعمل آید ، بامر محمدرشاه ، حاجی میرزا آقاسی در بیستم محرم ۱۲۵۲ ه. ق. قانونی برای نشانهای دولت ایران نوشت که اینک يك نسخه‌ی خطی از آن در کتابخانه‌ی دانشکده‌ی حقوق محفوظ می‌باشد^{۱۸} و در سالنامه‌ی وزارت امور خارجه سال ۱۳۳۲ ه. ق . نیز بچاپ رسیده است .

از مقدمه و فصول و خانمهی این قانون ، اطلاعات مفیدی درباره‌ی عقیده‌ی مردم و زعمای آن دوره در مورد منشاء علامت شیر و خورشید و هم چنین تغییراتی که در همان اوان در شکل و وضع این علامت حادث گردیده است ، بدست می‌آید و برای روشنی مطلب اینک قسمتهایی از آن را که باموضوع مورد بحث ما ارتباط دارد نقل کرده ، اطلاعاتی که از آن‌ها بدست می‌آید مورد مذاکره قرار میدهیم :

حاجی میرزا آقاسی در مقدمه‌ی قانون مزبور می‌نویسد : « از برای امر سلطنت و انتظام امور ملك و مملکت قرار مراتب و مقامات لازم است که خادم از خاین و خدمتگار از غیر خدمتگار امتیاز یابد ، بسبب اینکه اگر خادم و خاین در مقام و مرتبه یکی باشند و فرق میان مراتب خدمت نگذارند ، امر ملك انتظام نیابد و هیچ کس اقبال بخدمت نکند . پس لامحاله خاین را قهر و سیاست

۱۷ - حاج میرزا آقاسی چون صوفی و مرشد و معلم محمدرشاه بود ، کمی خود میدانست که کسی او را وزیر و صدراعظم خطاب نماید و مرتبه و مقام خود را بالاتر از اینها می‌پنداشت . خارجیان چون این موضوع را دانستند ، او را «شخص اول ایران» خطاب کردند و حاجی اول کسی است که مخاطب باین عنوان شده است و پس از او نیز اغلب صدراعظمها و نخست‌وزیرهای ایران را باین عنوان نامیده‌اند .

۱۸ - در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی دانشکده‌ی حقوق ، این رساله (شماره ۱۱۶ ب) بدین گونه توصیف شده است : « رساله‌یست از حاجی میرزا آقاسی چنانکه در صفحه عنوان و عطف جلد بدینگونه آمده «کتاب قانون دولتی از حاجی میرزا آقاسی» و برای این نوشته شده که قانون دادن نشانهای دولتی دانسته‌باشد و مانند بخشنامه بشهرها بفرستند و کارگذاران دولت احکام نشانها را بدانند . بنام محمدرشاه قاجار در ۲۰ محرم ۱۲۵۲ تا ۱۳۶۴ نوشته شده دوسوم کتاب درباره کسانی است که از دولت نشان گرفته‌اند . رویهمرفته بسیار سودمند است و شکل نشانهای دولتی در آن هست . »

لازم است و خادم را مهر و التفات لابد است که هر کس در خدمت سابق است بر دیگری فایق بود و این تفوق و تفاوت را با سه چیز معلوم کرده اند :

در لقب و منصب ، در مرسوم و مواجب ، در اعطای نشان و علامت ، که هر کس بیند داند که صاحب نشان در خدمت پیش است و در مرسوم پیش و لقب و منصب هر جا مذکور و مرقوم شود ، تقدم صاحب آن معلوم گردد .

پس برای هر دولت نشانی ترتیب داده اند و دولت علیه ایران را هم نشان « شیر و خورشید » متداول بوده است که قریب سه هزار سال بل متجاوز از عهد زردشت آفتاب را مظهر کامل و مرئی عالم می دانسته اند و باین سبب او را پرستش می کرده اند و چون به تجربه و امتحان که قرار علم نجوم بر آنست چنین یافته اند که کواکب سبعة سیاره در بعضی از بروج خوشحالتند و در بعضی بدحال ، باین معنی که در بعضی بروج اثر خوب بارض و ساکنین میرسانند و در برخی اثر بد ، پس هر کواکب در هر برج که خوشحال بوده و اثر نیک باهل عالم بخشیده آن برج را بیت آن کواکب یا شرف آن کواکب نامیده اند و باین علت برج اسد را هم بیت و شرف شمس قرار داده اند و نشان دولت علیه ایران را شمس در اسد که شیر و خورشید باشد قرار داده اند شاید برای اینکه هر شخصی که خدمت می کرده ، خواسته بودند پایه و مرتبه او را هم با مثال و اقران برتری دهند ؛ تصویر کواکب مزبور را در حالتی که باعلاء درجه سماء که بیت او باشد رسیده صورت آن را نیز در پشت شیر کشیده با آداب تمام باو می دادند و این قاعده قویمه قرنهای درین دولت متداول می بوده تا که دولت اسلام غالب و اساس کفر از میان رفت و بواسطه اینکه اکثر بلاد و بقاع ایران در اقلیم چهارم واقع است و حرکت شمس هم در فلک چهارم است از این جهت نشان شیر و خورشید را تغییر ندادند و همان قرار سابق متداول و معمول بود ولی در سنوات سابقه تا اواخر عهد خاقان مغفور اعطای نشان با سیاب دیگر منوط گشت بناء علی هذا رای جهان آرای شاهنشاه عالم پناه ابدالله تعالی دولت و شوکت قرار برین گرفت که این قاعده تجدید و تحدید یابد و قانونی درین خصوص مرقوم و برای هر نوعی از خدمت ، ترکیب معینی ساخته شود و درین رساله ثبت و بعد از اتمام نسخه مزبور و کشیدن اشکال نشانهای دولت علیه باسمه و باطراف و اکناف ممالک محروسه فرستند که بر عامه چاکران دولت علیه احکام مندرجه رساله مزبوره ظاهر باشد

اما مراتب و درجات نشانهای دولت علیه بموجب مفصله ذیل بدو قسم منقسم می شود :

قسم اول متعلق به شمشیربندان است اعم از اینکه اهل نظام باشند یا غیر اهل نظام . نشان شمشیربندان مگلل بالماس صرف یا بدون سنگ باشد . شیری خورشید در پشت آن ، شمشیر برهنه در دست راست او و تاجی در بالای سر آن شیر بنهجی که تفصیل آن قلمی می شود .

و مطلق نشانهای دولت علیه را به هشت مرتبه تقسیم کرده اند و هر کدام از مراتب مرقومه را هم به سه درجه تقسیم نموده اند

بالجمله قسم اول نشانهای اهالی شمشیربندان اعم از نظام و بدون نظام بموجب مفصله است :



شکل ۴۳ - نشان شیر و خورشید شش پر مگلل
بالماس ، موزهی مردم شناسی

- مرتبه اول نشان نويان اعظم است يعنى سپهسالار اعظم .
- مرتبه دوم نشان امير تومان است .
- مرتبه سوم نشان سرتيبي .
- مرتبه چهارم نشان سرهنگي .
- مرتبه پنجم نشان ياورى .
- مرتبه ششم نشان سلطاني .
- مرتبه هفتم نشان نايبي .
- مرتبه هشتم نشان وكيل و سرجوقه و تاييبي اهل نظام وغيره »

تا مى نويسد :

« مرتبه اول نشان نويان اعظم است كه عبارت از سپهسالار اعظم باشد و نشان مزبور

بر سه درجه است :

درجه اولين آن بتركيب خورشيد است و مكمل بالماس تنها . اين قسم نشان تعلق به نويان اعظم دارد . يکطرف بالای این نشان به ترکیب تاجی است درمیانه تاج مزبور هم بشکل جيقه ، الماس است و میانه نشان مزبور شیری ایستاده ، خورشیدی در پشت آن شیر و شمشیر برهنه در دست راست او و تاجی بر بالای شیر مزبور »

پس از تشریح شکل یکایک نشانها مى نويسد :

« سابقاً بکمال سهوات نشان دولت عليه به مردم مى رسيد ، حکم کارگزاران دولت عليه اين خواهد بود كه سفرا و متوقفين اينولا و ارباب توقع نه مستدعي نشان دولتي شوند و نه بدون اينكه كسى خدمت عظيمى بدولت عليه نمايد نشان باو مرحمت مى شود و چون بنهجي كه سابقاً قلمى داشت نشان دولت عليه منقسم بدوقسم گشت ، قسمتى متعلق به شمشيربندان و شجاعان بود و قسمتى ثانوى متعلق به ايلچيان و سفرای ممالك خارجه و ارباب قلم و اعتره و اشراف و ارباب عمايم كه خدمات آنها منظور نظر آفتاب اثر افتد و آنها را سزاوار التفات دانند .

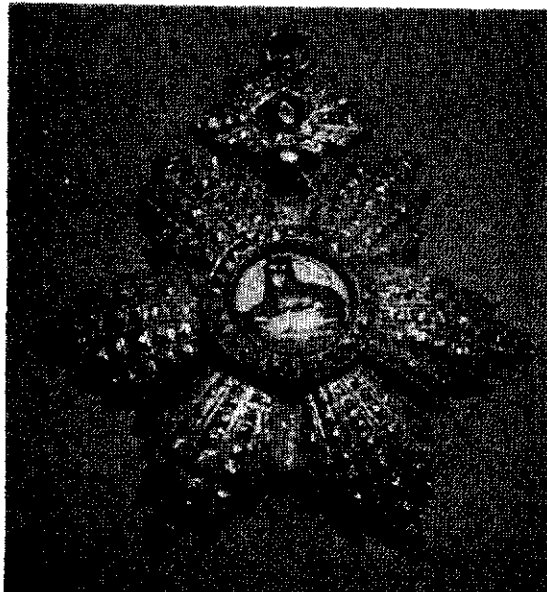
آنچه سفرا و ايلچيان و ارباب تردد باشند نشان مرحمتى باين اشخاص بطريقه معهوده نشان مرصع و مكملل بهمه جواهرات عطا خواهد شد ، بدون اينكه تغييرى در وضع شير و خورشيد بدهند يا شمشيرى بدست شير مزبور دهند موافق شأن اشخاص و درجات آنها مراتب نشانهاى مزبور حسب الحکم شاهنشاهی تعيين خواهد يافت »

باز در مورد فرق نشانهای هشتگانهی شمشيربندان و نشانهای طبقات ديگر مى نويسد :
 « تركيب و وضع نشانهای هشتگانه مفصله فوق بهيج وجه با نشانهای سابق تفاوتى نخواهد داشت چه نشانهای هشتگانه مرقومه محض برای شمشيربندان است كه بواسطه جانبازي سرافراز خواهند شد و برای امتياز از ساير نشانها مكملل بالماس محض و شير ايستاده و شمشير برهنه در دستش بنهجي كه مرقوم گشت معين شد . ساير اشخاص مرقومه را هر آنكس كه شايسته فخر و سرافرازي باشد

شکل ۲۳ - نشان شير و خورشيد پنج پر الماس نما ، مجموعه ي نويسنده



شکل ۲۴ - نشان شير و خورشيد شش پر الماس نما موزه ي مردم شناسي



نشان دولتی بوضع متداوله مرحمت می شود »

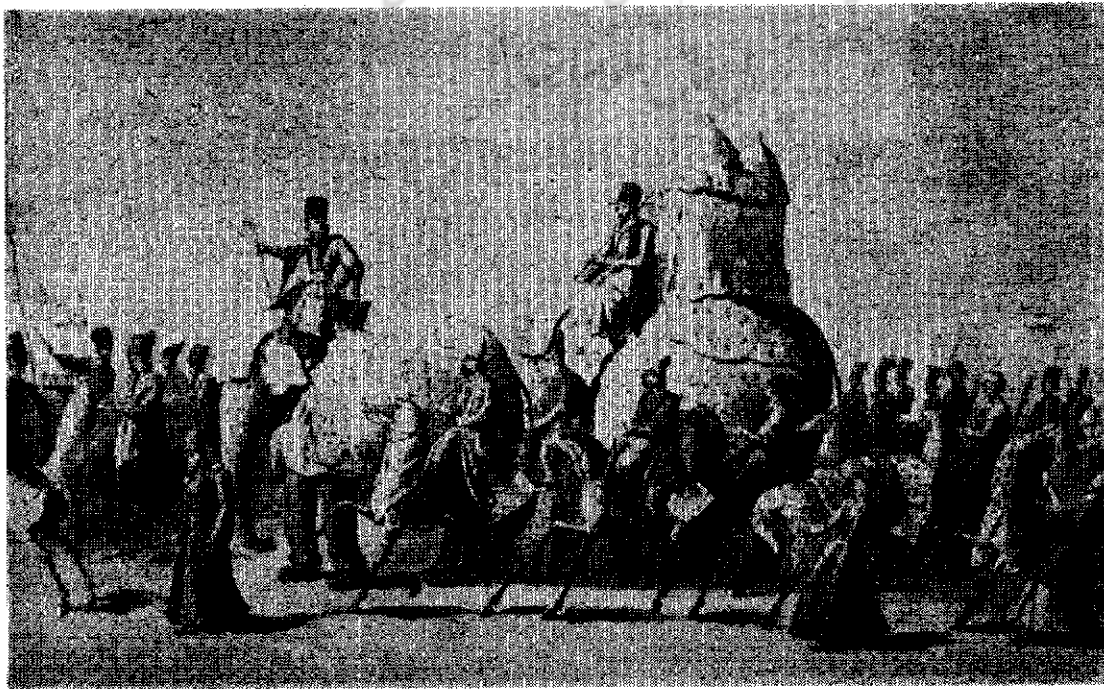
از فحوای مطالب ابن قانون چنین دانسته می شود که علاوه بر نشان های شیر و خورشید سابق که از زمان فتحعلی شاه با شیر نشسته مرسوم بوده ، در زمان محمدشاه نشان دیگری نیز پدید آورده بوده اند که در وسط - قسمتی که بامینا ساخته می شود - شیر ایستاده ی خورشید بر پشت و شمشیر بدست داشته و تاج نیز با بالای سر شیر قرار گرفته بوده است و این نوع نشان مخصوص شمشیربندان اعم از اهل نظام و غیر نظام بوده و بطبقات دیگر مردم و همچنین سفرا و نمایندگان کشورهای خارجه از همان نشان های سابق اعطاء می شده است . یعنی بدین ترتیب ، فرقی میان نقش « شیر و خورشید » ایستاده و نشسته قائل گردیده بوده اند . بنابراین با در نظر گرفتن جوانب دیگر موضوع چنین می نماید که این اولین موردی است که پس از پنجاه شصت سال مجدداً شیر ایستاده در علائم رسمی ایران ظاهر گردیده و در نقش آن برخلاف معمول زمان ماکه تاج بر بالای خورشید است ، در بالای سر شیر قرار گرفته بوده است .

از آنجا که در قانون مزبور ، هیچ مطلبی راجع به نشان ذوالفقار موجود نیست و در جزو انواع نشانها ذکر از آن بمیان نیامده ، بنابراین چنین پیداست که اگر سابقاً هم چنین نشانی وجود داشته ، در آن زمان از ردیف نشانهای دولتی ایران خارج گردیده و شمشیر یا ذوالفقار آن بدست شیر « نشان شیر و خورشید » داده شده بدین ترتیب در حقیقت دوشان و علامت مذکور درهم تلفیق و ادغام گردیده و حکم نشان واحدی را پیدا کرده است .

همچنین معلوم می گردد که شمشیر بدست گرفتن شیر ابتدا در اواخر سلطنت فتحعلی شاه در نقش درفش کوچک نظامی مرسوم شده و سپس در زمان محمدشاه به علامت وسط نشانها سرایت کرده و رفته رفته با وضع جدید بر روی سکه ها نیز ضرب گردیده است^{۱۹} .

الکسیس سولتیکف شاهزاده ی روسی که در زمان محمدشاه بسال ۵ - ۱۲۵۴ ه.ق. بایران آمده و سفرنامه ی مختصری از مشاهدات خود با مقداری تابلوهای زیبا فراهم آورده بود در کتاب خود تصویر خیالی ورود هیئت سفارت ابوالحسن خان ایلیچی را به شهر سن پترزبورگ در سال ۱۲۳۲ ه.ق. چاپ کرده است که در آن تصویر دیده می شود که در پیشاپیش صف هیئت ، سواری درفش مربع شکلی را حمل می کند که نقش شیر و خورشید دارد و شیر آن بحالت ایستاده ، شمشیر آخته بی در دست دارد . ولی باید دانست که این نقاشی و درفش هیچ ارتباطی بزمان فتحعلی شاه و تاریخ اعزام سفارت ندارد و مربوط به همان زمان نقاشی تابلو در ایران یعنی سالهای ۵ - ۱۲۵۴ ه.ق. است . زیرا خود شاهزاده سولتیکف در آغاز کتاب صراحتاً نوشته است که وی در آن هنگام

شکل ۴۵ - ورود هیئت سفارت ایران به سن پترزبورگ نقاشی الکسیس سولتیکف



کودکی بیش نبوده و منظری ورود سفیر ایران را به پایتخت روسیه از پشت شیشه‌ی پنجره‌ی خانه‌ی خود تماشا می‌کرده است بنابراین این تابلو ۲۲ سال بعد، در مسافرت با ایران با توجه به لباسها و قیافه‌های زمان محمدرضا شاه، از روی خیال ترسیم شده است و درفش هم که در تصویر با نقش شیر ایستاده و خورشید و شمشیر نشان داده شده، بر مبنای درفشهای زمان محمدرضا شاه نقاشی گردیده و مربوط بزمان فتحعلی‌شاه نیست.

درباره‌ی رنگ درفش فوق باید استناد به نوشته شخص دیگری بنام « اوژن فلاندن » (Eugène Flandin) نقاش و جهانگرد فرانسوی بکنیم که در سفرنامه‌ی خود که مربوط به فاصله‌ی سالهای ۷ - ۱۲۵۶ ه.ق. است در مورد درفش ایران می‌نویسد: « درفش دار کسی است که درفش را با خود می‌برد و این درفش سرخ رنگست و بر روی آن علامت دولت ایران، که شیر و خورشید است قرار دارد و چوب آن یک پنجه که روی آن نام علی نوشته شده است منتهی می‌گردد ».

از عبارات فلاندن پیداست که پارچه‌ی درفش بزرگ تا آن تاریخ بهمان رنگ زمان فتحعلی‌شاه باقی بوده، تغییری در آن روی نداده بوده است.

شاید در همان زمان صدور دستور العمل نشانها (۱۲۵۲ ه.ق.) و یا دو سال بعد از آن تاریخ (۱۲۵۴ ه.ق.) بوده که سکه‌هایی با علامت جدید یعنی شیر ایستاده‌ی شمشیر بدست و خورشید و تاج با حلقه‌ی شاخه‌های بلوط و زیتون، در تهران ضرب و رایج گردیده است زیرا قدیم‌ترین فلوسی که با آرم مذکور دیده شده و اینک در مجموعه‌ی سکه‌های نویسنده موجود است تاریخ ۱۲۵۴ ه.ق. و عبارت « ضرب دار الخلافه طهران » دارد و این درست همزمان است با تاریخ درفش شیر و خورشیدی که سولتیکف در تابلو هیئت سفارت ترسیم کرده است.

درباره‌ی ایستادن و شمشیر بدست گرفتن شیر علامت دولت ایران داستانی بر زبانهاست که با همه‌ی محرز نبودن صحت و سقم آن بی‌مورد نیست آنرا در اینجا بیاوریم: گفته می‌شود چون در دوره‌ی صدارت حاجی میرزا آقاسی، در وضع شیر علامت دولت ایران تغییری داده شد «... سفیر یکی از دول بزرگ همجوار نزد حاجی میرزا آقاسی آمد و نسبت باین اقدام دولت اعتراض کرد و رسماً منظور دولت ایران را از این حرکت استفسار نمود. حاجی میرزا آقاسی بانهایت سادگی لبخندی زده گفته بود: شیر حیوانی است و از اینرو مثل انسان که رفتار نمی‌کند، گاهی اوقات از نشستن خسته می‌شود و برمی‌خیزد... چنین موضوعی آنقدرها هم مهم نیست که سبب این همه گفتگوها شود»^{۴۰}.

« لوئی دو بو (Louis Dubeux) مورخ فرانسوی که کتابی تحت عنوان « ایران » (La Perse) جزو کتابهای (Collection Univer) در پاریس سال ۱۲۵۷ ه.ق. (= ۱۸۴۱ م.) یعنی مقارن با همین ایام بچاپ رسانیده، درباره‌ی چگونگی درفشهای ایران، مطالبی نوشته است که عیناً در اینجا می‌آوریم. ولی باید دانست که، چون این شخص، خود مسافرتی با ایران نکرده

۱۹ - این نکته را نباید از نظر دور داشت که اغلب این تغییرات و تحولات در تهران که پایتخت کشور بود انجام می‌گرفت و چه بسا مردم ولایات و شهرهای دور دست، سالها از این تحولات بی‌خبر می‌ماندند و پس از مدتهای مدید اثرات این تغییرات در آنجاها نیز محسوس و نمودار می‌گردید و بهمین علت است که دیده می‌شود در همان زمان که در تهران سکه‌های سیمین و مسینی با آرم جدید ضرب می‌شده، هنوز در بعضی از شهرستانها بهمان وضع سابق فلوس‌هایی با شیر نشسته و بدون تاج و شمشیر یا با نقشهای مختلف ضرب می‌گرداند و یا ضرابخانه‌های بعضی از شهرها هنوز در صدد یافتن و ایجاد علامت‌های جدیدی برای فلوسهای خود بودند. مثلاً در همان زمان - بلکه بسیار پیشتر از آن - در تبریز فلوسهای نسبتاً زیبایی با نقش خورشید صورت‌دار ضرب گردیده است (۵۴ - ۱۲۳۸ ه.ق.) و یا در خود تهران فلوسهایی با نقش شیر ایستاده‌ی بدون خورشید که دست راست خود را بر روی کره‌ی نهاده با عبارت « فلوس ایران » و تاریخ « ۱۲۵۶ » ضرب شده و در شهرهای قم و بروجرد فلوسهایی با نقش شیر تنها با دم افراشته مورخ « ۱۲۵۷ و ۱۲۶۰ » (مجموعه‌ی نویسنده) رواج داشته است که نقش همه‌ی آنها تازگی دارد.

۲۰ - تاریخچه‌ی تحول پرچم ایران، گینوری، اطلاعات ماهانه سال دوم شماره ۴.

بوده و مطالب کتاب خود را از نوشته‌های دیگران بخصوص سفرنامه‌های نمایندگان سیاسی و جهانگردان اروپایی که تا آن زمان بایران آمده بودند فراهم آورده است بنابراین بر نوشته‌های او در این زمینه از نظر تطبیق زمانی - اعتمادی نیست و آنچه درباره‌ی درفش ایران نوشته راجع بزمان فتحعلی شاه است که مابعضی از مطالب منابع آنها را قبلاً ذکر کرده‌ایم. بهرحال دوبو در کتاب خود نوشته است: « از جمله امتیازاتی که شاهان ایران بیشتر مراعات می‌کنند، عرضه کردن علمهای متعددست. از جمله این بیرقها یکی هست که بر روی آن تیغ دوسر (ذوالفقار) علی نقش است و یکی دیگر صورت دخول شمس برج اسداست. شیر خوابیده است و پس و پشت او خورشیدی در حال طلوع قرار داده شده است. این علامتهای ایران در قصرهای شاهی حجاری و در روی جامه بیرقها، خامه‌دوزی شده است و بر روی يك نشان شاهی و نظامی هم که شاه ایران سربازان و صاحبان مناصب خویش که بهجرات و دلیری بر دیگران امتیاز یافته‌اند عطا می‌کند و گاهی نیز بعضی از سفرای اروپائی می‌دهد، این نشانه‌ها، دیده می‌شود»^{۴۳}.

چنانکه پیش از این هم نوشته‌ایم، در زمان محمدشاه، برای نخستین بار ضرب سکه‌های نقره و فلوسهای ایران سر و صورتی بخود گرفت و علامت دولتی که تا آن هنگام اغلب بوضع و شکل‌های مختلف فقط بر روی فلوسها ضرب می‌شد با شکل تقریباً يك نواختی بر روی سکه‌های نقره نیز که تا آن زمان اغلب فقط خط و نوشته داشت نقش بست^{۴۴} و ما برای آشنائی بیشتر بانقش و وضع سکه‌های جدید و بسامان محمدشاهی اینک تصویر چند عدد از آنها را در اینجا می‌آوریم:

تصویر شماره ۲۶ پشت و روی سکه‌ی نقره‌ی پنجهزاری بزرگی را نشان می‌دهد که بسال ۱۲۵۸ ه.ق. در تهران ضرب شده و متعلق به موزه ایران باستانست^{۴۴}.



شکل ۲۶ - پشت و روی سکه‌ی پنجهزاری نقره، مورخ ۱۲۵۸ ه. ق. - موزه ایران باستان

تصاویر شماره ۲۷ و ۲۸ پشت و روی دو سکه‌ی کوچکی را نشان می‌دهد که یکی بسال ۱۲۵۸ و دیگری بسال ۱۲۶۳ ه.ق. ضرب شده و هر دو جزو مجموعه‌ی نویسنده است و چنانکه در تصویر نیز کاملاً آشکارست در یکی از این سکه‌ها برخلاف معمول مطابق مفاد قانون نشانها، تاج بالای سر شیر قرار دارد نه بالای قرص خورشید.

شکل ۲۸ - پشت و روی سکه‌ی نقره بانقش شیر و خورشید و شمیر مورخ ۱۲۶۳ مجموعه‌ی نویسنده

شکل ۲۷ - پشت و روی سکه‌ی نقره بانقش شیر و خورشید و شمیر مورخ ۱۲۵۸ ه. ق. - مجموعه‌ی نویسنده



محمد شاه در هفتم شعبان سال ۱۲۵۳ ه.ق. بزم تسخیر هرات ، اطراف قلعه‌ی غوریان را در خاک افغانستان لشکرگاه خود ساخته ، آنرا از چهارسوی حصار داد و سربازان با کندن خندقها و سنگرها ، خود را پبای قلعه رسانیده با شجاعت تمام چنان کار را بر قلعه‌گیان سخت گرفتند که بالاخره در چهاردهم همان ماه «شیرمحمدخان» امیر قلعه امان خواسته قلعه را تسلیم کرد . این واقعه‌ی مهم زمان سلطنت محمدشاه و جهانگیری او ، موضوع تابلو رنگ روغنی بزرگی قرار گرفته که «احمد» نقاش معاصر او در سال ۱۲۶۰ ه.ق . آنرا ترسیم کرده ، این بیت را بر روی آن نوشته است :

« تمثال شهنشاه جهانست هنگامه جنگ غوریانست »

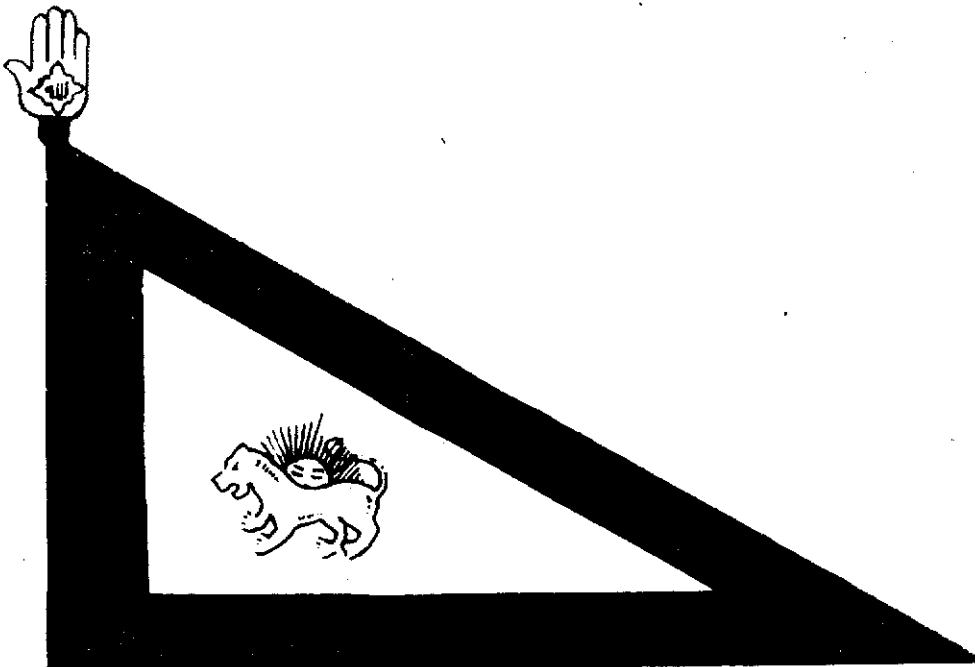
این پرده اینک در طاقنمای سمت چپ شاه‌نشین ایوان تخت‌مرمر بدیوار نصب گردیده و سالهاست در همانجا محفوظست .

در این تابلو شبیه سواری محمدشاه با لباس و کلاه جواهرنشان و حاجی میرزا آقاسی و بعضی از شاهزادگان و سرداران سوار بر اسب در اطراف او نقاشی شده‌اند و هم‌چنین در صفوف لشکریان که با جامه‌ها و اسلحه آنروزی نمایش داده شده‌اند ، جایجا تصویر چند درفش پیدا است که پارچه‌ی یکی از آنها بر رنگهای مختلف و گویا از جنس زری یا شال ترمه است و دوتای دیگر که بیشتر پیدا است ، درفشهای مثلثی‌شکلی است که دارای متن سفید و از سه طرف حاشیه‌ی باریک سبز می‌باشد و در وسط قسمت سفید نقش شیر و خورشید بدون تاج و شمشیر برنگ زرد نقاشی شده‌است . با توجه بمطالبی که تا کنون راجع بشکل و رنگ درفشها و نقش شیر و خورشید در دوره‌ی محمدشاه گفته‌ایم ، در مورد درفشهای این تابلو چند موضوع باعث تعجب است : یکی از این بابت که بنابه نوشته‌های جهانگردان و تصاویر و نقوش موجود ، درفش مربع‌شکل در این هنگام تقریباً در ارتش ایران شیوع یافته بوده ولی دانسته نیست چرا نقاش این تابلو دوباره سراغ درفشهای سه گوشه‌ی قدیمی رفته‌است و دیگر اینکه معلوم نیست چرا علامت درفش روی تابلو با شیر و خورشیدی که در این سالها رو بر رسمی شدن نهاده بود ، منطبق نیست ، سوم ترکیب رنگهای پارچه درفش است

۲۱- منشأ نقش شیر و خورشید ، مجتبی مینوی یادنامه‌ی دینشاه ایرانی ۱۳۲۷ ه. خ .

۲۲- با این همه در زمان فتحعلی‌شاه گاهی تصویر شاه را بر روی تخت طاووس (ضرب اصفهان ۱۲۴۶) و سوار بر اسب (ضرب زنجان ۱۲۳۲) و نقش شیر و خورشید نشسته بدون شمشیر را بر روی سکه‌ی طلا مورخ ۱۲۵۱ (موزه‌ی جواهرات سلطنتی) ضرب کرده‌اند .

۲۳- آقای حمید نیرنوری بانقل عبارتی از چاپ اول تاریخچه‌ی شیر و خورشید شادروان کسروی اینطور نوشته‌اند که «مرحوم کسروی از گفتار لوئی دوپو و چند سکه‌ای که خود در دست داشته در تاریخچه شیر و خورشید خود اینطور نتیجه گرفته‌اند که «شمشیر بدست گرفتن شیر از سال ۱۲۸۰ و آن نزدیکیهاست و ما گمان می‌کنیم که نشان رسمی ایران شدن شیر و خورشید از همان زمان آغاز گردیده است» و بعد با استناد به شکل مهر و سکه‌هایی از تاریخ ۱۲۵۶ و ۱۲۵۸ نوشته‌اند «این گفتار کاملاً خطاست». در این مورد باید گفت که اولاً رقم عشرات تاریخی که در آن کتابچه ذکر شده دارای غلط چاپی بوده و صحیح آن ۱۲۵۰ بوده است زیرا در جایی که گفتگو از زمان محمدشاه و نوشته‌ی دوپو (۱۲۵۷) بوده ، پیدا است که ذکر تاریخ ۱۲۸۰ ه.ق. (یعنی سال پانزدهم سلطنت ناصرالدین‌شاه) بی‌معنی است و آقای نیرنوری توجه باین موضوع نکرده‌اند ثانیاً خود شادروان کسروی در چاپ دوم تاریخچه (۱۳۲۳ ه.خ) در ص ۲۵ در این باره نوشته است که : «از آن سوی از زمان محمدشاه یک رشته سکه‌های سیمین در دست است که در کسروی آن نام محمدشاه (شاهنشاه انبیاء محمد) و نام شهر (دارالخلافه تهران) با تاریخ سکه نوشته شده و در روی دیگر شیر با خورشید در پشت شمشیر در دست و تاجی در بالای خورشید نگاشته گردیده . چند دانه از این سکه‌ها در نزد ماست» . ناگفته پیدا است که علت پیش آمدن این گونه اشتباهها ، شکل ارقام فارسی است که خود آفت عظیمی است بخصوص اگر بدست حروفچین‌ناشی و سهل‌انگار افتد . چنانکه در مقاله‌ی خود آقای نیرنوری نیز در زیر تصویر کتابی که در فصله‌ی سالهای ۸۲۵ و ۸۲۸ تألیف شده‌است نوشته شده در ۷۳۶ نسخه کرده‌اند و هر کسی آنرا بخواند دچار حیرت می‌شود که مگر می‌توان کتابی را قبل از تألیف کتابت کرد؟ این نیست جز غلط افتادن ارقام که چنین اشتباهاتی را پدید می‌آورد آقای نفیسی نیز در کتابچه‌ی «درفش ایران و شیر و خورشید» بی‌آنکه توجه نمایند که این تاریخ در کتاب شادروان کسروی غلط چاپ شده‌است ، آنرا اقتباس کرده و در صفحه ۸۷ کتابچه‌ی خود چنین نوشته‌اند که «چنان می‌نماید که شیر ایستاده بشکل کنونی را در حدود سال ۱۲۸۰ قمری در موارد دیگر بجز علائم وزارت امور خارجه عمومیت داده باشند . . .»



شکل ۲۹ - درفش مثلثی از تابلو جنگ
غوریان اثر «احمد» ۱۳۶۰ . ایوان
تخت مرمر



شکل ۳۰ - درفش شیروخورشید و حاشیه
مطابق با نقش جلد کتاب نزهت الارواح

که برخلاف نوشته‌ی نویسنده‌گان آن زمان دارای رنگ سرخ یا کبود نبوده، ترکیب جدیدی از سبز و سفید است که تا آن هنگام مطلبی راجع بآن گفته نشده است.

در مورد موضوع نسبتاً مبهم فوق، شاید بتوان احتمال داد که نقاش این پرده‌آنها در شهری و مکانی جز تهران (مثلاً اصفهان یا شیراز) نقاشی کرده و در نقاشی درفشها به شکل و نقش درفشهای ساخلو محلی یا درفشهای قدیمی موجود توجه داشته‌است و یا باهمی تبدیل شکل پارچه‌ی درفش و تغییر علامت آن، هنوز علمها و درفشهای گوناگون و رنگارنگ قدیمی در قشون ایران مورد استعمال داشته و از میان نرفته بوده‌است و یا صرف نظر از شکل مثلثی درفشها، ترکیب رنگهای سفید و سبز بدین صورت جدید اصلاً در زمان محمدشاه ایجاد و معمول گردیده بوده‌است و شاید هم شکل آن مقتبس از شکل درفشهایی است که تصویر رنگین آنها در نقاشی رنگ و روغنی بالای سردر بازار قیصریه‌ی اصفهان نمایش داده شده و مربوط بدوره‌ی صفوی است^{۲۴}.

آقای نیرنوری در مقاله‌ی خود در اطلاعات ماهیانه و مجله‌ی وزارت امور خارجه، از مینیاتوری در پشت جلد کتاب «تزهت الارواح» که در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه ترسیم شده‌است صحبت داشته، نوشته‌اند: «... مجلس جنگ نادرشاه و محمد شاه کورکانی نموده شده و در آن سپاهیان ایرانی بیرقهایی در دست دارند که چون شباهتی با بیرقهای دوره محمدشاه و ناصرالدین شاه ندارد و بیشتر به بیرقهای زمان شاه سلطان حسین شبیه است میتوان حدس زد که مصوران آن از روی اطلاعاتی که از زمان نادرشاه داشته تصویر نموده باشد. این بیرقها مثلثی شکل و نوکدارند و متن آنها سفید است و دور آنها را نوارهای قرمز و سبز احاطه کرده و در متن سفید پرچم در وسط شیری زرین با دم علم کرده ایستاده و خورشیدی نیمه‌طالع در پشت آن دیده می‌شود ولی در دست شیر چیزی نیست».

درفشی که در پشت جلد نسخه‌ی تزهت الارواح متعلق به آقای نیرنوری نشان داده شده، بی‌شبهت بدرفش تابلو جنگ غوریان نیست و نظیر همان درفشی است که بعدها (چنانکه خواهد آمد) شکل مربع آن در ایران مستعمل بوده است پس با این تفصیل، استنباط آقای نیرنوری که نوشته‌اند: «شباهتی با بیرقهای دوره محمدشاه و ناصرالدین شاه ندارد» چندان صحیح بنظر نمی‌رسد.

در جنگهای ایران و روس، عباس میرزا ولیعهد فتحعلی شاه، در تبریز یک نوع مدال نظامی بنام «نشان جلادت» ایجاد کرده بود که بسربازان و سردارانی که در جنگ از خود جانشانی و دلیری نشان میدادند اعطا می‌کرد.

در یک روی این مدال علامت شیر و خورشید و عبارت:

«جهاندار عباس شاه جوان ولیعهد دارای روشن روان»

و در روی دیگر بیت زیر:

«هر شیردل که دشمن شه را عیان^{۲۵} گرفت

از آفتاب همت ما این نشان گرفت»

ضرب شده بوده‌است.

«مدال جلادت» از زرین و سیمین - تا تشکیل ارتش نوین ایران - معمول بوده ولی در هر دوره بمقتضای ذوق و سلیقه‌ی زمان و وسایل ضرب و حک تغییراتی در شکل و وضع شیر و خورشید آن داده شده‌است.

نویسنده‌ی این سطور هفت قطعه‌ی مختلف از این نشان، از زمان محمدشاه و ناصرالدین شاه

۲۴ - در نقاشی بالای سردر بازار قیصریه‌ی اصفهان که گفته می‌شود در نقاشی آن هنرمندان هلندی نیز دست داشته‌اند، چند درفش سه گوشه‌ی حاشیه‌دار، برنگ‌های زیر دیده می‌شود:

۱ - متن آبی با حاشیه‌ی باریک طلایی.

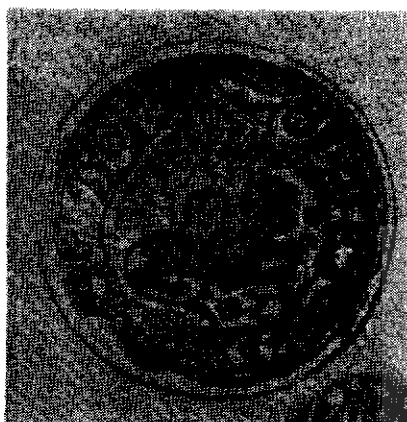
۲ - متن سرخ با حاشیه‌ی باریک سفید.

۳ - متن سفید با حاشیه‌ی باریک زرد.

۲۵ - این کلمه در بعضی نشانها «عیان» و در برخی «عان» ضرب شده‌است.

و دیگران با تاریخهای گوناگون گرد آورده است که عکس پشت و روی بعضی از آنها در صفحات بعد بچاپ رسیده است .

در روی مدال عهد محمدشاه ، شیر نیمرخ و بی‌یالی - شبیه بشیرهای ایرانی قدیم که قبلاً راجع بآن مطالبی نوشته‌ایم - نقش گردیده که خورشید صورت‌داری در پشت و شمشیر کج برهنه‌یی در مشتمت دارد و عبارت « شاهنشاه انبیاء محمد » نیز در بالای خورشید دیده می‌شود . در پشت مدال بیت « هر شیردل که . . . » در دو سطر بطور برجسته ضرب شده و در بالای سطور ، عبارت « نشان جلالت » و در پایین « سنه ۱۲۶۳ » (هـ . ق .) پیداست .



شکل ۳۴ - نقش مهر « دیوانخانه‌ی تجارت دولت علیه ایران » مورخ ۱۳۶۷ ، مجموعه‌ی نویسنده



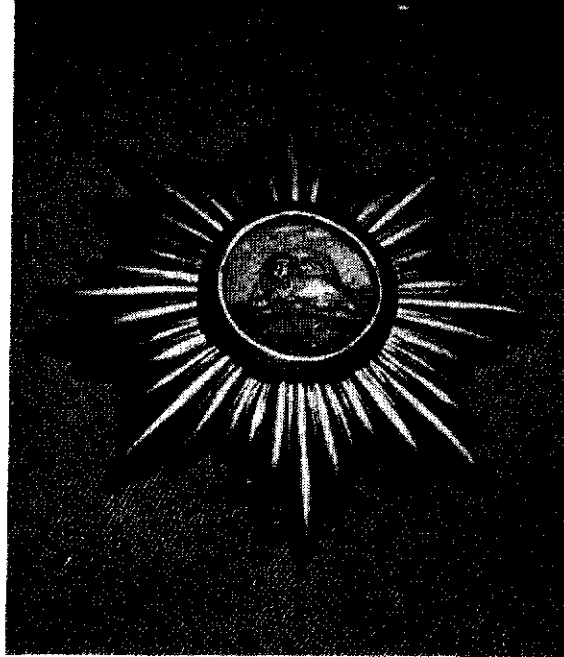
شکل ۳۱ - « نشان جلالت » از زمان محمدشاه مجموعه‌ی نویسنده

چنین بنظر می‌رسد که چون نقش و طرح اصلی این مدال از زمان نایب‌السلطنه عباس میرزا باقی مانده بوده ، در زمان محمدشاه ، جز این که شیر را برپا داشته و شمشیری بدستش دهند ، تغییر زیادی در آن نداده‌اند ولی بعدها - چنانکه در تصاویر هم پیداست - کم‌کم شیر و خورشید آن تغییرات فراوانی یافته و شکل و وضع جدیدی بخود گرفته است .

دوره‌ی سلطنت ناصرالدین‌شاه ۱۳۱۳ - ۱۳۶۴ هـ . ق .

عهد سلطنت پنجاه ساله‌ی ناصرالدین‌شاه ، دوره‌ی تحول شیر و خورشید و تنوع درفشهای ایرانست . در این زمان بعلت آشنایی بیشتر مردم ایران با فرهنگ و تمدن مغرب‌زمین و پیش‌آمدن پاره‌یی تحولات علمی و اجتماعی و آمدن متخصصین فنی و صنعتی و نظامی بایران و نصب چرخ سکه زنی و ضرابخانه‌ی جدید در تهران و انحلال ضرابخانه‌های شهرستانها ، تغییرات قابل‌توجهی در شکل و وضع درفش و علامت دولت ایران پیش‌آمد .

در این دوره ، فرقی که میان « شیرنشسته » و « شیرایستاده » در دوره‌ی محمدشاه در امور لشکری و کشوری قائل بودند هنوز رعایت می‌گردید ، بدین معنی که درمهرها و سرنامه‌های مربوط بامور نظامی و سلطنتی شیرایستاده ، و در امور غیر نظامی شیرنشسته رسم می‌کردند و حتی مهر رسمی مقام صدارت عظمی نیز که بر پشت نامه‌های مهم دولتی نهاده می‌شد ، نقش خورشید



شکل ۳۴ - نشان شیروخورشید نقره - موزه مردم‌شناسی



شکل ۳۳ - نشان شیروخورشید الماس‌نما - موزه مردم‌شناسی

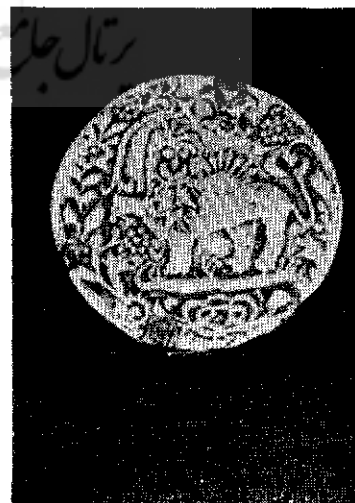
وشیرنشسته‌ی نیم‌رخ داشت و همچنین مانند سابق، درهمه‌ی نشانهایی که بطبقات مختلف مردم، بجز نظامیان و شمشیربندان، اعطا می‌گردید، در نقش شیروخورشیدشان شیرنشسته رسم می‌گردید ولی شیروخورشید وسط درفشهایی که در صفوف لشکری حمل می‌گردید و یا در بالای عمارات سلطنتی و دولتی برافراشته می‌شد و شیروخورشیدهایی که بر سر درها نقاشی و گچ‌بری می‌گردید - دیگر هیچگاه تغییر نیافته همان خورشید و شیر ایستاده‌ی شمشیر بدست بود.

از چگونگی رنگ و شکل درفشهای دولت ایران، در اوایل صدارت امیر کبیر (۶۸ - ۱۲۶۴ ه. ق.) متأسفانه اطلاع دقیقی در دست نداریم و احتمال دارد درفشهای دوره‌ی محمدشاه، در این زمان نیز، همچنان ادامه داشته است ولی از اواخر صدارت امیر، مدارکی راجع به درفشهای دولتی و تجارتهای ایران موجود است که شادروان کسروی در تاریخچه شیروخورشید، درباره‌ی آنها نوشته است:

شکل ۳۶ - مدال نقره‌ی جلادت مورخ ۱۳۶۵ ه. ق. مجموعه‌ی نویسنده



شکل ۳۵ - پشت و روی مدال جلادت مورخ ۱۳۶۵ ه. ق. مجموعه‌ی نویسنده



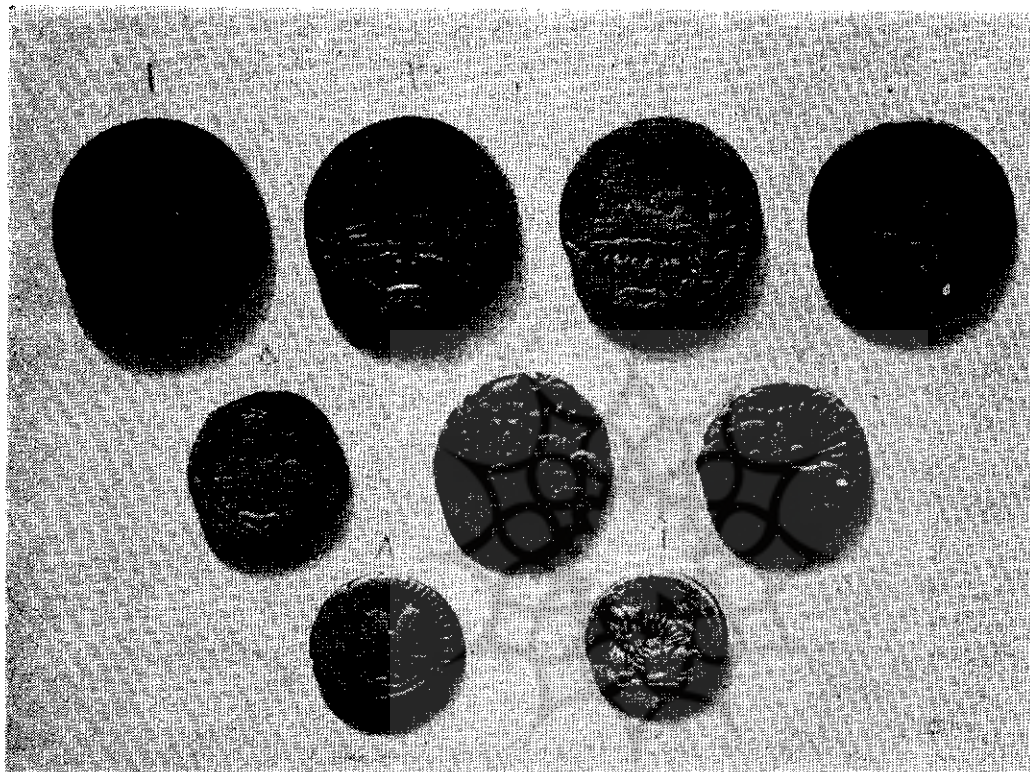
« از زمان ناصرالدین شاه دونا مینی از میرزا محمدعلی خان وزیر خارجهی ایران در دست است که در سال ۱۲۶۸ (در آغاز پادشاهی ناصرالدین شاه) یکی را به «منشی مهام خارجهی گیلان» و دیگری را به «منشی مهام خارجهی آسترآباد» نوشته و در آن نامه‌ها چنین گفته می‌شود: «در خصوص بیدق کشتی‌های تجارتهی که سابقاً دریابگی ایراد گرفته بود، اینجانب با جناب جلالتماب وزیر مختار دولت بهیبهی روسیه مکالمه کرده بر حسب قدرقدر سرکار اعلیحضرت پادشاهی روح‌العالمین فداء، قرار دادند که نشان و علامت دولت علیه ایران در بیدق و علمها که در کشتی‌های تجارتهی افراشته می‌شود، ازدها باشد تا از نشان شیروخورشید که نشان دولتی است امتیازی حاصل شود».

دربارهی درفشهای دورهی صدارت میرزا آقاخان نوری نیز متأسفانه اطلاع کافی در دست نیست تنها در تابلو سیاه‌قلمی که ناصرالدین شاه و میرزا آقاخان نوری و اطرافیان را سواره در میدان با سربازان نشان میدهد و بوسیلهی محمدحسن افشار نقاش لال در فاصله سالهای ۱۲۶۸ و ۱۲۷۵ هـ. ق. (دورهی صدارت میرزا آقاخان نوری) ترسیم شده و اینک در حوضخانهی کاخ گلستان محفوظست در ردیف سربازان پیاده که در حال رژه رفتن می‌باشند، درفش دورنگ شیرو خورشیدداری دیده می‌شود که مخصوص افواج پیاده بوده و نمونه و شرح آن بعداً در ضمن برشمردن درفشهای متعدد دورهی ناصرالدین شاه خواهد آمد.

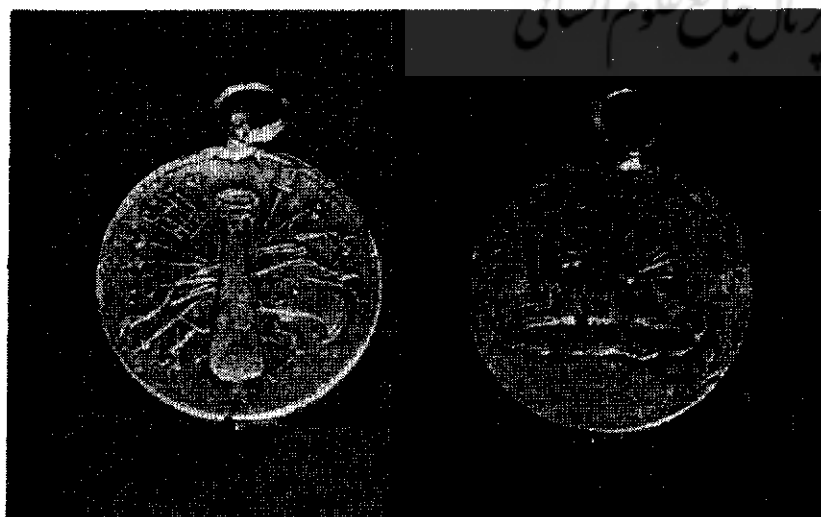
شکل ۳۷ - درفش مربع شیروخورشید که حاشیهی بیرونی آن سفید، حاشیهی وسطی آبی و گلی و قسمت وسط سرخ رنگست. در روی درفش تاریخ دیده نمیشود ولی باغلب احتمال مربوط بزمان ناصرالدین شاه است. موزهی مردمشناسی



دردورهی صدارت میرزا آقاخان، دیده می‌شود که ناگهان (از سال ۱۲۷۱ ه. ق. به بعد) در فلوسهای «رایج ممالک محروسه ایران» و برخی سکه‌های نقره تغییر مهمی در علامت شیرو خورشید پیش آمده و مجدداً شمشیر از دست شیر گرفته شده و خود آن از حالت ایستاده بحالت نشسته در آمده و بجای تاج در بالای خورشید، یک کوب هشت پر یا ستاره‌ی شش پر قرار گرفته است. ضرب این گونه فلوسهای مسین، در حدود ده سال ادامه داشته و علاوه بر مدال جلالت که بهمان وضع سابق معمول بوده، مدال مسی دیگری نیز با شیر و خورشید نشسته و بی شمشیر پدید آورده بودند که تصویر نمونه‌ی از آن از مجموعه‌ی نویسنده در اینجا آورده می‌شود.

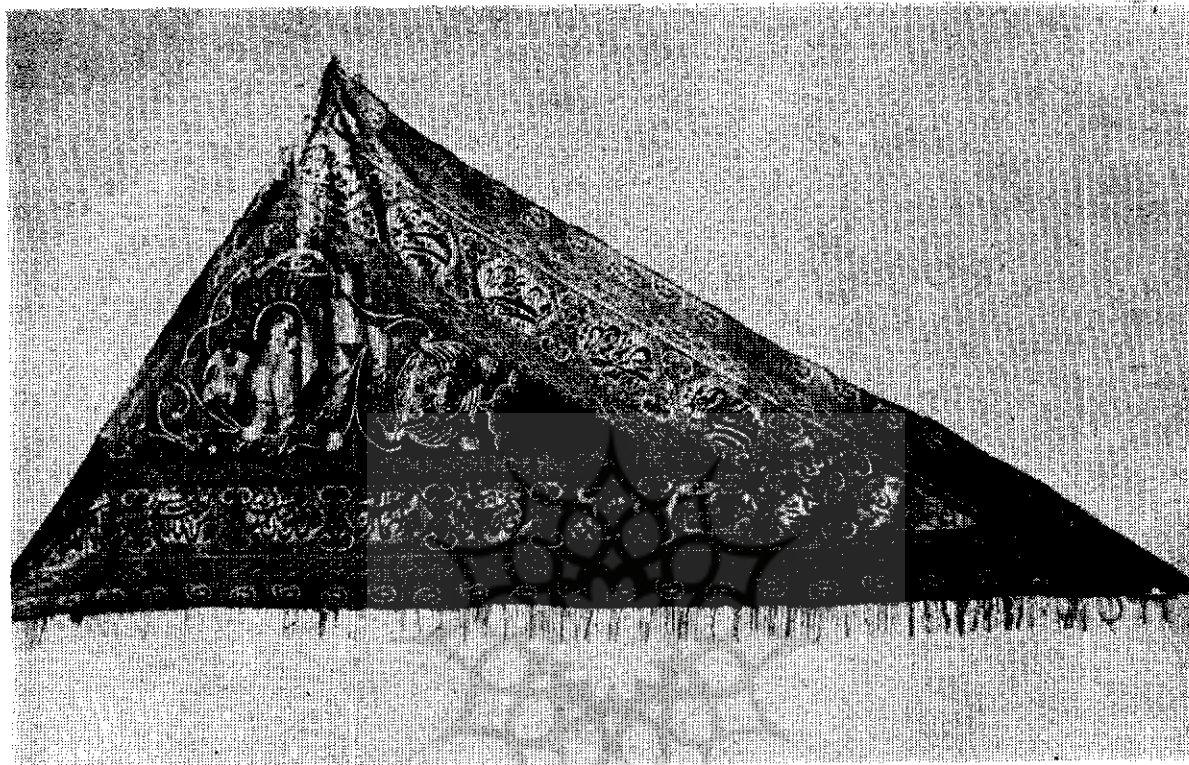


شکل ۳۸ - فلوسهای مسی که در سالهای ۱۲۷۱ و ۱۲۷۲ و ۱۲۷۳ و ۱۲۷۴ ضرب شده است. تاریخ ضرب دوفلوس کوچک پایین نامعلوم است. مجموعه‌ی نویسنده



شکل ۳۹ - پشت و روی مدال مسی با نقش شیرو خورشید. مجموعه‌ی نویسنده

گذشته از آن در سکه‌های نقره‌ی کوچکی که در یک روی آن تصویر نیم تنه‌ی ناصرالدین شاه با تاج و حمایل و شمل و سیل‌های بلند آویخته بطور نیمرخ نقش شده و در روی دیگر عبارت « ضرب دارالخلافه طهران » و تاریخ سکه نوشته شده است، دیده می‌شود که در محل تلافی سرشاخه‌های دور نوشته دربالا، خورشید و شیر بسیار کوچک نشسته‌ی نقش گردیده که بدون تاج و شمشیر است.^{۳۶}



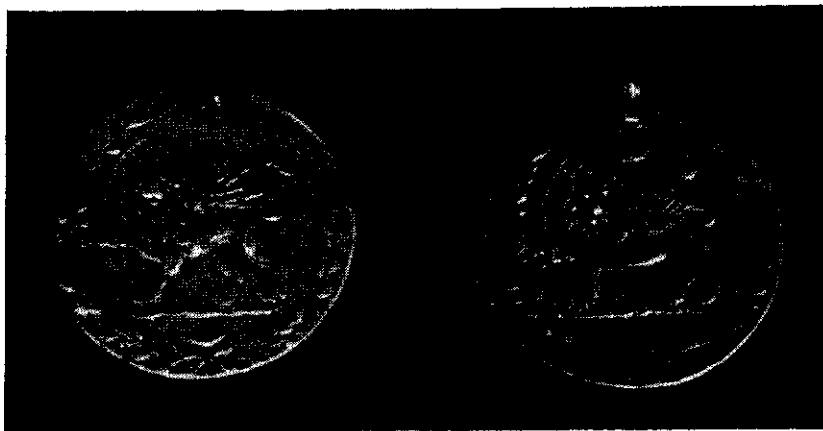
شکل ۴۰ - علم ماهوت مشکی قلابدوزی شده بانقش شیر و خورشید سرخ مورخ ۱۳۷۱ ه. ق. موزه‌ی مردم‌شناسی

علت این تغییر ناگهانی شیر و خورشید بر روی سکه‌ها در دوره‌ی صدارت میرزا آقاخان نوری بهیچ وجه معلوم نیست و ما نمیدانیم آیا این تغییر بر اثر تفنن حکاک و ضرابخانه بوده یا علل سیاسی داشته است و باز دانسته نیست به چه سبب این تغییر فقط در نقش سکه‌ها پیش آمده و بر روی درفشها اعمال نشده است.^{۳۷}

درفش دولتی که در این زمان بر روی ساختمانهای سلطنتی و دولتی برافراشته می‌شد و از همه‌ی درفشها معروفتر بود، رنگ سبز و سفید و سرخ داشت ولی رنگها مساوی و یکسان نبود پارچه‌ی سفید درفش که بطور افقی در وسط قرار داشت عریضتر از دورنگ دیگر بود. دربالای سفید پارچه‌ی سبز و در پایین پارچه‌ی سرخ یا ارغوانی دوخته می‌شد و شیر و خورشید بزرگی بر روی قسمت سفید نقاشی می‌گردید.

نمونه‌ی درفش مزبور، دزد و تابلو آبرنگ از محمودخان ملك الشعرا، که یکی را بسال ۱۲۸۲ ه. ق. از منظره‌ی پشت بام‌های کاخهای سلطنتی داخل ارك و كوه البرز نقاشی کرده و دیگری

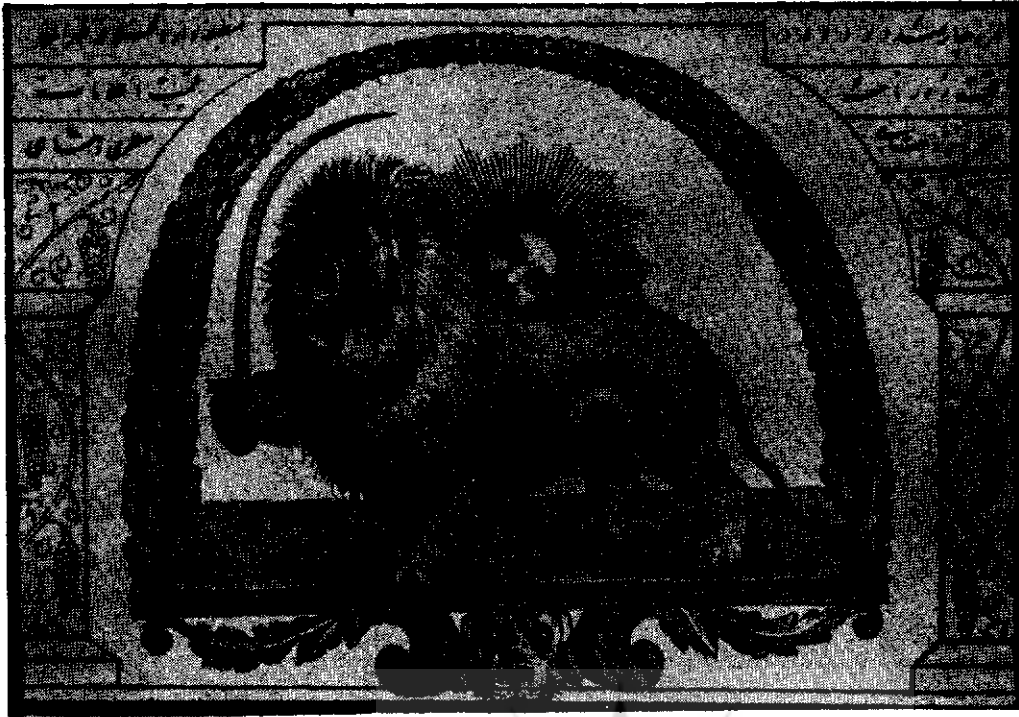
۳۶ - از این سکه چند عدد باناریخ‌های ۱۳۷۱ و ۱۳۷۲ و ۱۳۷۷ و ۱۳۷۸ در نزد نویسنده موجود است.



شکل ۴۱ - دنومونهی دیگر ازمدال جلادت
مدال سمت راست دارای تاریخ ۱۲۷۳ ه. ق. است .
مجموعه‌ی نویسنده

را بسال ۱۲۸۸ ه. ق. ازمنظره‌ی خیابان الماسیه وسردر باب‌همایون کشیده است دیده می‌شود .

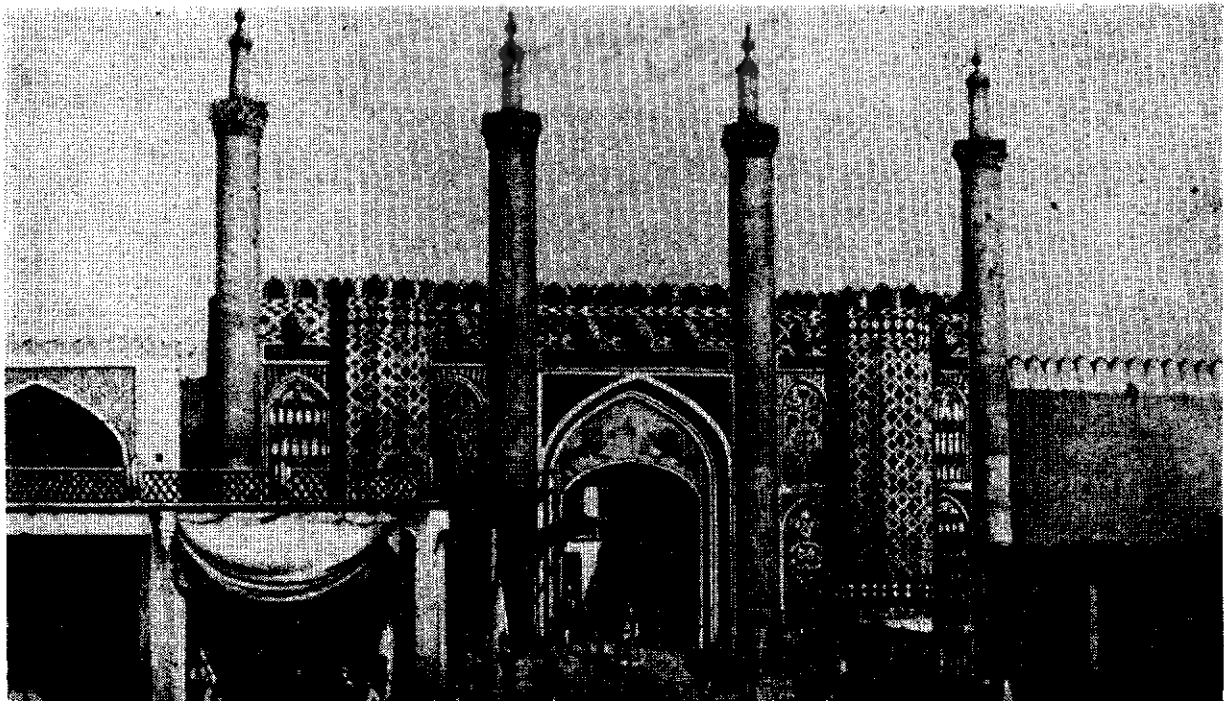
۲۷ - پس از عزل میرزا آقاخان نوری ، تا چندین سال شیر روی فلوسها همچنان نشسته بود . در حدود سال ۱۲۸۳ مجدداً سکه‌هایی با شیر ایستاده ضرب کردند ولی این بار نیز تا حدود ده سال دم شیر بپایین بود سپس از حدود سال ۱۲۹۳ دم آن نیز بالا افراشته مانند شیر و خورشیدهای کنونی گردید .
در سال ۱۲۸۱ ه. ق. از طرف ناصرالدین شاه ، دستور خرید افزار و چرخ سکه زنی از اروپا ، صادر شد و ماشین‌های آن در سال ۱۲۸۲ ه. ق. با کشتی به بندر انزلی (بندر پهلوی) وارد گردید ولی بعلت نبودن راه شوسه ، سالها در آنجا بلا استفاده در گوشه‌ی افتاد تا در سال ۱۲۸۶ ه. ق. ناصرالدین شاه در یکی از سفرهای خود بشمال دستور داد آنرا به روسیه بفرستد که ممکن بود به تهران حمل کردند. در مرات البلدان در این باره می‌نویسد: «در کنار پل اسباب چرخ سکه که برای ضربخانه دولت علیه حساب الامر از فرنگستان اکتیاع و حمل نموده‌اند از لحاظ انور ملوکانه گذشت و مقرر فرمودند نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم اسباب مذکور را روانه دارالخلافه کنند و محمدحسین خان ریش سفید قاجار قوانلو با پانزده نفر از قاجار به مأمور شدند که آن اسباب را با عراده و بارکش بدارالخلافه ببرند» . باز در وقایع سال ۱۲۹۴ ه. ق. می‌خوانیم که : «چرخ سکه و ضربخانه دولتی در محلی که مشهور بکارخانه ریسمان‌ریسی است به ریاست جناب میرزا علی‌خان امین‌الملک وزیر رسایل خاصه و مباشرت مسیو نچن نساوی (اتریشی) تکمیل و دایر می‌شود» . و بالاخره در وقایع ربیع‌الاول سال ۱۲۹۶ ه. ق. می‌نویسد : «مسکوکات این مملکت چون تا بحال عیار صحیحی نداشت و بواسطه تعدد دارالضرب در ممالک محروسه راه تقلبات برای متقلبین بانواع و اقسام مفتوح بود در این اوقات که ضربخانه جدید البنای دولتی بالمناسبه بجناب آقا محمدابراهیم امین‌السلطان سپرده شد ، جناب معزی‌الیه اهتمام و دقتی تمام در عیار و اوزان صحیح مسکوکات از طلا و نقره مهذول داشته ، قران نقره را در ۲۴ نخود که یک مثقال تمام باشد و تومانی طلا را بهمین نسبت در پانزده نخود قرار داد که با ده قران جدید مبادله شود و خود چند هفته متوالی در ضربخانه دولتی اقامت کرد . مبلغ وافی پول طلا و نقره بوزن و عیار صحیح سکه کرد و بر حسب اجازه دولت اعلان نمود که مردم در معاملات خود دقیق شده پولهاییکه از مسکوکات قدیم می‌گیرند بدست صرافها رد و بدل کنند هر چه بکلی قلب و فاسد است قبول نکنند و آنچه در عیار پست و مغشوش است برای رفع ضرر وزیران خلق ضربخانه دولت قبول کرده بدون مطالبه هیچ حق عوض پول صحیح و پاک بسکه تازه میدهد اگر چه پول کهنه در صد ، بیست و پنج و سی بار داشته باشد» . و باز در وقایع شهر شوال ۱۲۹۶ ه. ق. می‌نویسد : «در ضربخانه دولتی که از دهم شهر صفر بارس‌نیل بجناب امین‌السلطان سپرده شده تا سلخ شهر رمضان هذالسنه نوشقان‌نیل یک کرور و هفتاد و دو هزار و صد تومان پول طلا و نقره و مس با چرخ بخار بوضع جدید ضرب و سکه شده است» .
بدین گونه نصب ضربخانه‌ی جدید و آوردن متخصصین ضرب سکه از اروپا در وضع سکه‌ها و مدالها و نقش - آنها ، بسیار مؤثر افتاده و شیر و خورشید سکه‌های طلا و نقره و فلوسهای مسی بسیار بهتر و آبرومندتر از زمانهای پیش گردید و هم از این هنگام بود که دستور داده شد تمام ضربخانه‌های شهرهای مختلف ایران منحل شود و سکه‌های مضروب در تهران ، در سرتاسر ایران رایج گردد .

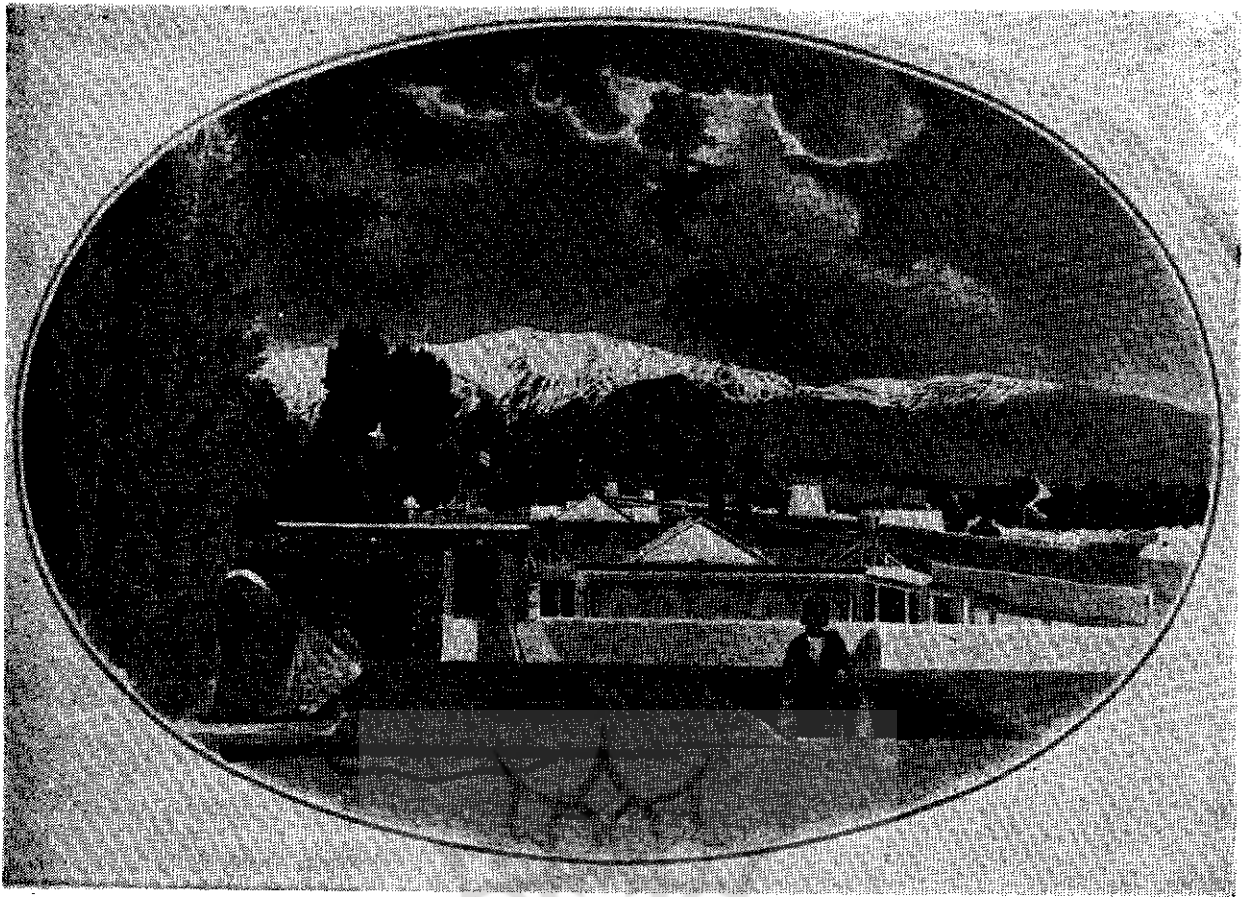


شکل ۴۲ - نقش شیرو
خورشید ، سرلوح
روزنامه‌ی دولت علیه
ایران مورخ ۱۳۷۷ ه.ق.

در تابلو رنگ روغنی کاخ شهرستانک که بوسیله‌ی مسعود غفاری بسال ۱۲۹۸ ه. ق . نقاشی شده و اینک در حوضخانه‌ی کاخ گلستان محفوظ است در بالای ساختمان کاخ و برجهای کوچک بالای دیوار حیاط کاخ ، درفشهای سه رنگی بطرز مخصوص دیده می‌شود که بادرفشهای تابلوهای محمودخان فرق دارد . این درفش از پارچه سفید مربع مستطیلی تشکیل یافته که در دو ضلع آن (ضلع مماس با چوب و ضلع بالا) حاشیه‌های باریکی از پارچه‌ی سبز و در دو ضلع دیگر (ضلع مقابل چوب و ضلع پایین) حاشیه‌های باریکی از پارچه‌ی سرخ دوخته شده و در وسط قسمت سفید شیرو خورشید زرد و درشتی نمایانست . چون نه پیش از تاریخ نقاشی این تابلو و نه پس از آن ، در میان درفشهای متعدد ایران تاکنون درفش‌ی بدین شکل و هیئت دیده نشده است ، از اینرو باید

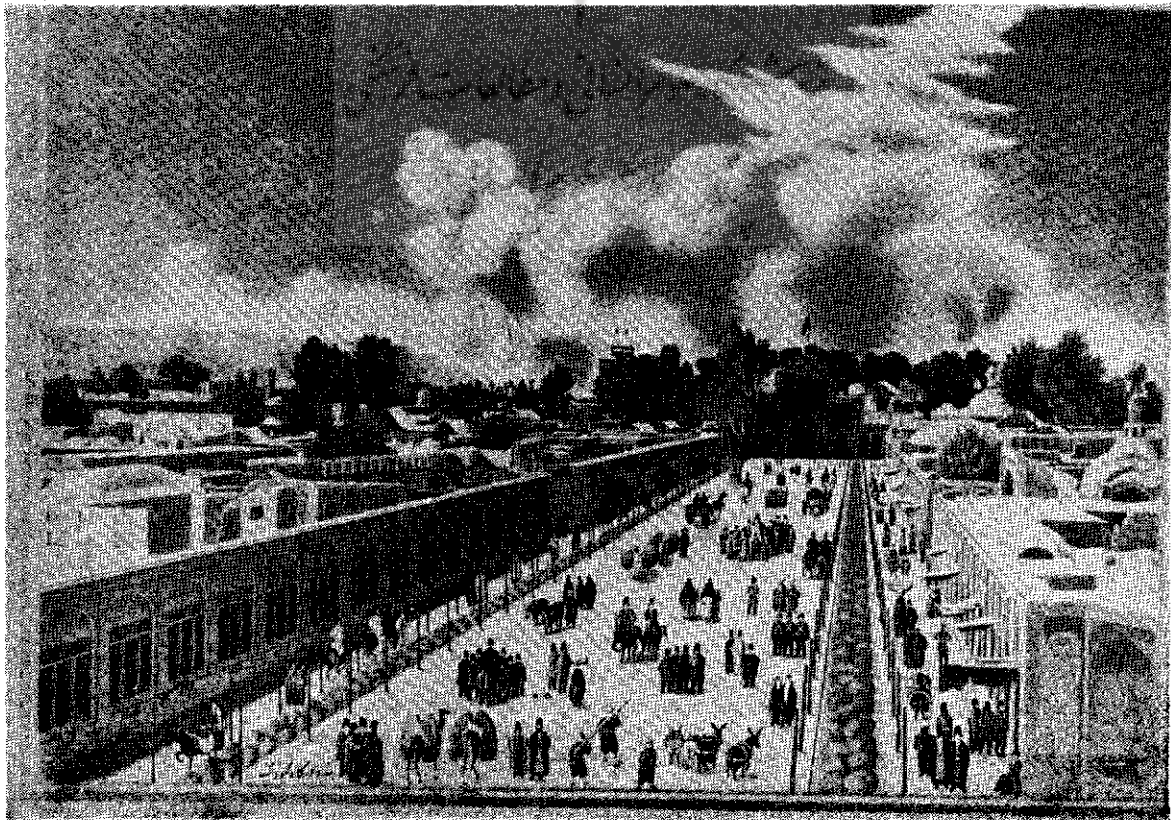
شکل ۴۳ - دروازه‌ی ارک سلطنتی در تهران که در تاریخ ۷۸ و ۱۳۷۷ نقاشی شده است

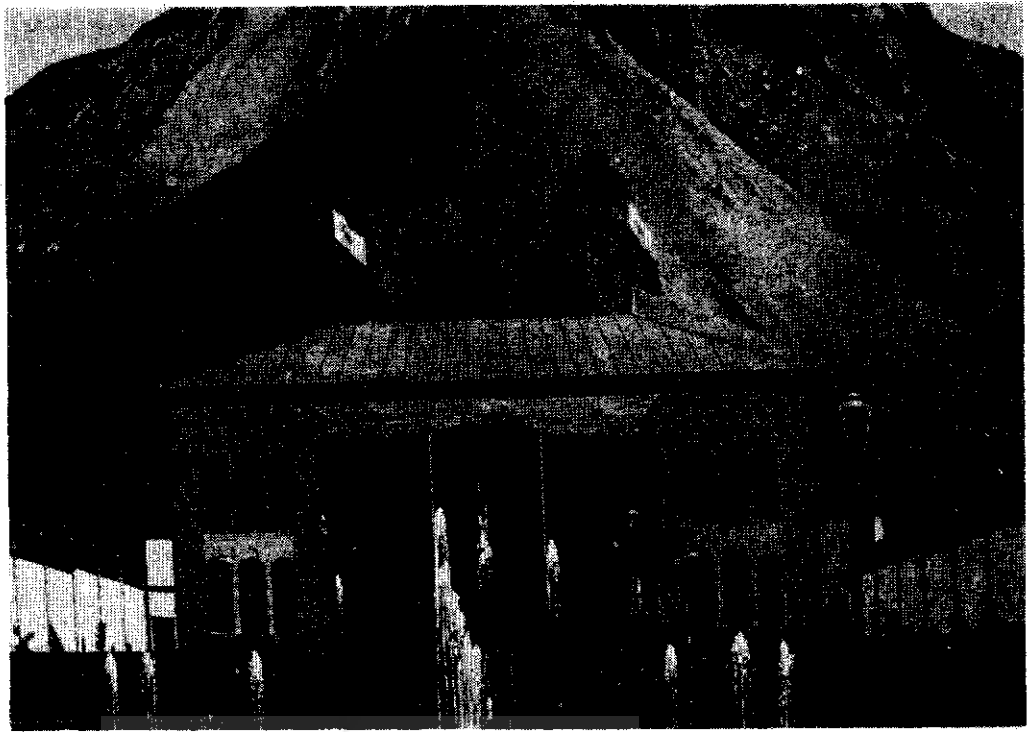




شکل ۴۴ - پشت بامهای عمارات سلطنتی و کوه البرز اثر محمودخان ملک‌الشعرا ۱۲۸۲ هـ . ق . موزه‌ی کاخ گلستان

شکل ۴۵ - دورنمای خیابان الماسیه و سر در باب همایون (دالان بهشت) ، از سمت توپخانه ، ۱۲۸۸ هـ . ق . موزه‌ی کاخ گلستان

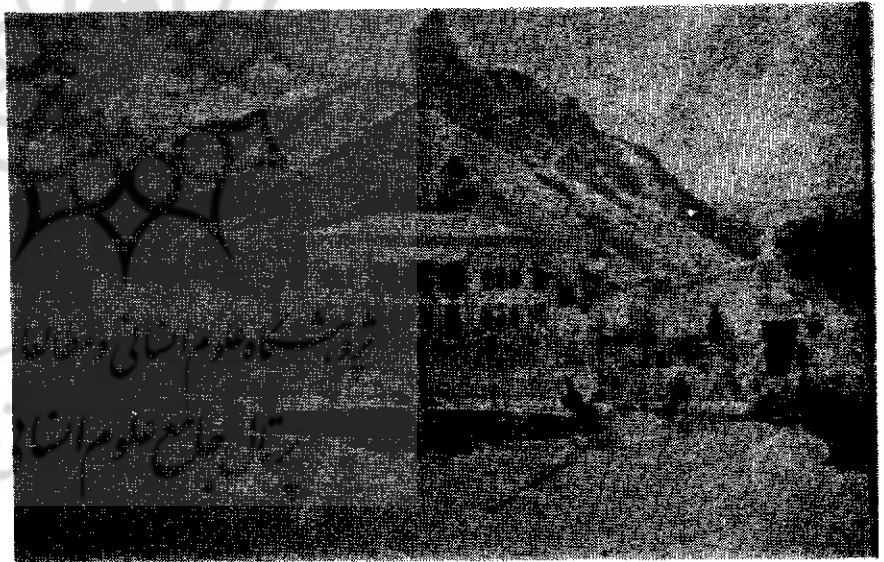




شکل ۴۶ - تابلو عمارت
شهرستانك ، اثر مسعود
غفاری، ۱۳۹۶ . موزهی
كاخ گلستان

شکل ۴۸ - پشت و روی مدال جلادت مورخ
۱۳۹۸ - مجموعهی نویسنده

شکل ۴۷ - تابلو رنگ روغنی عمارت شهرستانك ، اثر كمال الملك ۱۳۰۴ هـ . ق .



این مورد را تنها نمونه از این گونه درفش بشمار آورد .

همین موضوع را مرحوم كمال الملك در سال ۱۳۰۴ هـ . ق ، با مختصر تغییری ، مجدداً نقاشی کرده که تابلو آن اکنون در سالن باشگاه افسران لشکر يك گارد بدیوار آویخته است ، ولی در این تابلو در همان محل های سابق ، درفشهای سه رنگ كوچك و بزرگی دیده می شود که قبلاً نظیر آنها را در تابلوهای محمودخان ملك الشعرا دیده ایم . از اینجا چنین پیداست ، درفش که مرحوم مسعود غفاری در تابلو خود نقاشی کرده است ، فقط در فاصله ی سالهای ۱۲۹۸ و ۱۳۰۴ هـ . ق . مورد استعمال داشته و از آن پس بعلی که روشن نیست ، متروك گردیده و از بین رفته است .